



منشور نامه ۶

# منشور ماندگار

دکتر محمد رضا بیگدلی ضیفی

عکس: مجید عسگری پور

خود، بت پرست نبودند و از مدنیت پیشرفته‌ای برخوردار بودند و ضمن مهر و محبت فراوان نسبت به یکدیگر، رعایت قانون و اخلاق نیز از خصوصیات بارز آنان بود.

مضمون آن قسمت از منشور کوروش که در آن به طور اختصاصی مردم بابل مورد خطاب قرار گرفته اند به این شرح است: بابلیان نباید نگران باشند، احدی به اسارت گرفته نمی شود. اموال کسی مصادره نخواهد شد، مگر پس از رسیدگی کامل به جرمی که مرتکب شده و پس از تأیید شخصی او (کوروش). سربازان فاتح حق خرید بدون پرداخت عوض و نیز چشمداشتی به مال دیگران نخواهند داشت و بدرفتاری خواهند کرد و اگر تخلفی دیده شود، کوروش شخصاً رسیدگی خواهد کرد و ...

کوروش سپس اسیران بنی اسرائیل را که پاره ای از آنان از سال ۵۸۶ قبل از میلاد در بابل بازداشت بودند، آزاد کرد و به هزینه ایران به اوطان خود بازگردانید و هزینه تجدید بنای مساکنشان را از خزانه دولت پرداخت کرد. وی همچنین دستور داد بنادر صور و صیدا در فنیقیه (لبنان امروز) که توسط بابلی ها ویران شده بودند، با هزینه ایران بازسازی شوند. نیو کدنز دوم (بخت النصر) امپراتور بابل در حمله سال ۵۸۶ میلادی به مناطق ساحلی مدیترانه خرابی های فراوان به بار آورده بود و یهودیانی را که در برابرش مقاومت کرده بودند، به بابل منتقل و به عنوان اسیر در این شهر بازداشت گردیدند.

کوروش از بابل به فرعون مصر که قدرت بزرگی در جهان آن روز بود، پیام فرستاد که اگر بر ضد ایران توطئه نکند و در صدد تعرض بر نیاید، اطمینان داشته باشد که سرزمینش مورد حمله قرار نخواهد گرفت. کوروش این پیام را پس از آن فرستاد که شنید فرعون نگران حمله ارتش ایران است و به این ترتیب از او رفع نگرانی کرد.

کوروش هنوز در بابل بود که اعلام کرد از آن پس شهرهای همدان، شوش و بابل پایتخت نوبتی ایران خواهند بود تا تبعیضی میان شهرها نباشد. از نظر او همه شهرهای ایران هم عرض خواهند بود؛ ولی پس از مرگ، مایل است او را در "پاسارگاد" دفن کنند و در هرجا که بمیرد، کالبدش باید به پاسارگاد پارس منتقل شود.

تاریخ نشان داد که این وصیت دقیقاً به اجرا درآمد و آرامگاه او - مردی که مورد احترام جهانیان است و در کتب دینی از او به نیکی یاد شده است - در پاسارگاد قرار دارد و گذشت زمان هنوز به آن گزند وارد نساخته است.

منشور حقوق بشر کوروش یا استوانه کوروش (CYRUS HUMAN RIGHT CYLINDER) استوانه ای سفالین است که در سال ۵۲۹ پیش از میلاد به فرمان کوروش دوم هخامنشی فرمانروای ایران ساخته شد و دور تا دور آن مجموعه ای از سخنان و دستوراتش به خط میخی بابلی نقش شده است. این استوانه که به عنوان "منشور حقوق بشر" در جهان شناخته می شود، در پایه های شهر بابل قرار داده شده بود.

در حدود سال ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۸۸۲ - ۱۸۷۹) به هنگام کاوش های باستان شناسی در بابل در میان رودان، هرمزدر سام - باستان شناس بریتانیایی آسوری تبار - این استوانه سفالین را یافت که شامل نوشته هایی به خط میخی بود. جنس این استوانه از گل

دی ماه سال ۱۳۸۳ با امانت دادن بیش از ۵۰ شیء تاریخی به موزه بریتانیا، قول هایی درباره امانت دادن منشور کوروش برای چند ماه، به ایران داده شد. با حضور روبرت مک گریگور - مدیر موزه بریتانیا - در موزه ملی ایران و انجام رایزنی با رئیس این موزه، ۲۸ خرداد پارسال، این دو بر سر نمایش منشور کوروش کبیر در موزه ملی ایران به توافق هایی رسیدند. این توافق ها در حدی بود که مدیر موزه بریتانیا به شکل رسمی امانتی این موزه را برای نمایش منشور جهانی کوروش در ایران اعلام کرد.

بر اساس توافق های انجام شده میان رئیس موزه ملی ایران و مدیر موزه بریتانیا قرار بود منشور کوروش پس از پایان نمایشگاه "عصر صفوی" در موزه بریتانیا، برای چند ماه در موزه ملی ایران به نمایش گذاشته شود، اما در اینجا به مناسبت سالروز نوشته شدن این منشور نگاهی داریم به فتح بابل، علت نگارش این منشور و محتوای آن.

۲۵۴۸ سال پیش، در چنین روزی - ۱۳ اکتبر سال ۵۳۹ قبل از میلاد، شهر تاریخی بابل به دست کوروش هخامنشی فتح شد.

کوروش برای تصرف بابل که قلعه و دیوارهای بسیار مستحکم و نفوذناپذیری داشت، دستور داد که مسیر رود دجله را تغییر دهند؛ زیرا رود دجله از داخل شهر بابل عبور می کرد. پس از این اقدام و تغییر مسیر آب دجله از مجرای ورودی آب به شهر بابل وارد شد. شهر بابل که در قسمت جنوبی بین النهرین قرار داشت، در زمان بخت النصر به اوج قدرت و عظمت خود رسیده بود. مردم شهر بابل در سال ۵۱۴ قبل از میلاد بر ضد داریوش هخامنشی قیام کردند و سرانجام پس از یک دوره جنگ های داخلی، هنگام حمله اسکندر مقدونی، بابل به تصرف یونانیان درآمد و به تدریج روبه انحطاط گذاشت.

۱۳ اکتبر را "پروفیسور بلیک" به استناد کتب دینی در دایره المعارف کلیسای مسیح درج کرده است و آن را کاملاً دقیق می داند. تصرف قلمرو امپراتوری بابل به دست ارتش ایران در ۲۹ اکتبر همین سال (۱۶ روز بعد) تکمیل شد و در همین روز (۲۹ اکتبر ۵۳۹ پیش از میلاد) اعلامیه تاریخی کوروش که از آن به عنوان نخستین "منشور ملل و حقوق انسان" نام برده می شود و سفال نبشته اش معروف به استوانه کوروش موجود است، صادر شد. مورخان اروپایی بر پایه محاسبات تقویم نگاران این قاره، ۱۲ اکتبر ۵۳۹ پیش از میلاد را روزی نوشته اند که کوروش وارد شهر بابل، پایتخت یک امپراتوری به همین نام شد که قلمرو آن تا مدیترانه (لبنان امروز) امتداد داشت.

تصرف بابل در بیست و نهمین سال ایجاد دولت واحد (مرکزی) ایران (در سال ۵۵۹ پیش از میلاد که مبدأ تاریخ نیز قرار گرفته بود) و اعلام تصمیم کوروش به ایجاد امپراتوری ایرانی مرکب از مناطق مسکونی سه طایفه پارس، ماد و پارت که هر سه طایفه از قبیله بزرگ آریین ها (آریایی ها) بر پایه برخی نظریه ها به فلات ایران مهاجرت کرده و برای خود دولت های محلی تشکیل داده بودند و از میان برداشتن همه دشمنانشان صورت گرفت. پدر کوروش از پارس ها و مادرش از مادها بود. به این ترتیب ۱۲ یا ۱۳ اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد را سال روز تحقق تصمیم کوروش به تأسیس امپراتوری ایرانی می دانند.

باید توجه داشت که ایرانیان یگانه قومی بودند که در عهد باستان، بر خلاف سایر ملل معاصر

## FIRST CHARTER OF HUMAN RIGHTS

I am Kourosh (Cyrus), King of the world, great king, mighty king, king of Babylon, king of the land of Sumer and Akkad, king of the four quarters, son of Camboujyah (Cambyases), great king, king of Anshân, grandson of Kourosh (Cyrus), great king, king of Anshân, descendant of Chaish-Pesh (Teispes), great king, king of Anshân, progeny of an unending royal line, whose rule Bel and Nabu cherish, whose kingship they desire for their hearts, pleasure. When I well-disposed, entered Babylon, I set up a seat of domination in the royal palace amidst jubilation and rejoicing. Marduk the great god, caused the big-hearted inhabitants of Babylon to ..... me, I sought daily to worship him. At my deeds Marduk, the great lord, rejoiced and to me, Kourosh (Cyrus), the king who worshipped him, and to Kaboujyah (Cambyases), my son, the offspring of (my) loins, and to all my troops he graciously gave his blessing, and in good spirit before him we glorified exceedingly his high divinity. All the kings who sat in throne rooms, throughout the four quarters, from the Upper to the Lower Sea, those who dwelt in ....., all the kings of the West Country, who dwelt in tents, brought me their heavy tribute and kissed my feet in Babylon. From ... to the cities of Ashur, Susa, Agade and Eshnuna, the cities of Zamban, Meurnu, Der as far as the region of the land of Gutium, the holy cities beyond the Tigris whose sanctuaries had been in ruins over a long period, the gods whose abode is in the midst of them, I returned to their places and housed them in lasting abodes.

I gathered together all their inhabitations and restored (to them) their dwellings. The gods of Sumer and Akkad whom Nabounids had, to the anger of the lord of the gods, brought into Babylon. I, at the bidding of Marduk, the great lord, made to dwell in peace in their habitations, delightful abodes.

May all the gods whom I have placed within their sanctuaries address a daily prayer in my favour before Bel and Nabu, that my days may be long, and may they say to Marduk my lord, "May Kourosh (Cyrus) the King, who reveres thee, and Kaboujyah (Cambyases) his son ...". Now that I put the crown of kingdom of Iran, Babylon, and the nations of the four directions on the head with the help of (Ahura) Mazda, I announce that I will respect the traditions, customs and religions of the nations of my empire and never let any of my governors and subordinates look down on or insult them until I am alive. From now on, till (Ahura) Mazda grants me the kingdom favor, I will impose my monarchy on no nation. Each is free to accept it, and if any one of them rejects it, I never resolve on war to reign. Until I am the king of Iran, Babylon, and the nations of the four directions, I never let anyone oppress any others, and if it occurs, I will take his or her right back and penalize the oppressor.

And until I am the monarch, I will never let anyone take possession of movable and landed properties of the others by force or without compensation. Until I am alive, I prevent unpaid, forced labor. To day, I announce that everyone is free to choose a religion. People are free to live in all regions and take up a job provided that they never violate other's rights.

No one could be penalized for his or her relatives' faults. I prevent slavery and my governors and subordinates are obliged to prohibit exchanging men and women as slaves within their own ruling domains. Such a traditions should be exterminated the world over.

I implore to (Ahura) Mazda to make me succeed in fulfilling my obligations to the nations of Iran (Persia), Babylon, and the ones of the



کورش برای تصرف بابل که قلعه و دیوارهای بسیار مستحکم و نفوذ ناپذیری داشت، دستور داد که مسیر رود دجله را تغییر دهند؛ زیرا رود دجله از داخل شهر بابل عبور می کرد. پس از این اقدام و تغییر مسیر آب دجله از مجرای ورودی آب به شهر بابل وارد شد. شهر بابل که در قسمت جنوبی بین النهرین قرار داشت، در زمان بخت النصر به اوج قدرت و عظمت خود رسیده بود

رَس است، ۲۳ سانتی متر طول و ۱۱ سانتی متر عرض دارد و دور تا دورش در حدود ۴۰ خط به زبان اکدی و به خط میخی بابلی نوشته شده است. بررسی ها نشان داده که نوشته های استوانه در سال ۵۳۹ پیش از میلاد به دستور کوروش و پس از شکست نبوکدنزر ( بخت النصر ) و گشوده شدن شهر بابل، نویسانده و به عنوان سنگ بنای یادبودی در پایه های شهر بابل قرار داده شد. در حال حاضر این لوح سفالین استوانه ای در بخش "ایران باستان" موزه بریتانیا نگهداری می شود.

کوروش دوم هخامنشی پس از تسخیر بابل، در آنجا تاج گذاری و عفو عمومی اعلام کرد. او ادیان بومی را آزاد گذاشت و برای جلب محبت مردم میانرودان ( بین النهرین )، مردوک را که کهن ترین خدای بابل بود، به رسمیت شناخت و او را نیایش کرد و سپاس گفت. او هیچ انسانی را به بردگی ننگرفت و سپاهیان را از تجاوز به مال و جان رعایا بازداشت.

او تمامی کسانی را که به اسارت به بابل آورده شده بودند، گرد هم آورد و منزلگاه آنها را به ایشان بازگرداند و همچنین قوم یهود را نیز از اسارت و بیگاری در بابل آزاد کرد. به دستور کوروش، شرح وقایع و دستورهایی وی روی یک لوح استوانه ای سفالین نگاشته شد و به عنوان سنگ بنای یادبودی در پایه های شهر بابل قرار گرفت.

این سند که به عنوان نخستین منشور حقوق بشر شناخته می شود، در سال ۱۹۷۱ میلادی در سازمان ملل به شش زبان رسمی سازمان ملل منتشر شد و هم اکنون بدلی از این منشور در تالار ورودی ساختمان اصلی سازمان ملل متحد در شهر نیویورک نگهداری می شود.

کوروش پس از معرفی خود و دودمانش و شرح مختصر فتح بابل، می گوید که تمامی دستاوردهایش را با کمک و رضایت مردوک خدای بابلی به انجام رسانده است.

وی سپس بیان می کند که چگونه آرامش و صلح را برای مردم بابل و سومر به ارمغان آورده و پیکر ایزدانی را که نبوکدنزر از نیایشگاه های مختلف برداشته و در بابل گردآوری کرده بود، به نیایشگاه های اصلی آنها در میانرودان و غرب ایران برگرداند.

پس از آن، کوروش می گوید که چگونه نیایشگاه های ویران شده را از نو ساخته و مردمی را که اسیر پادشاه های بابل بودند، به میهن شان برگردانده است. در این نوشته اشاره مستقیمی به آزادی قوم یهود از اسارت بابلیان نشده؛ اما مطالعه و پژوهش منابع دینی و تاریخی مشخص شده است که آزادی آنان بخشی از سیاست کوروش پس از فتح بابل بوده است که در بخش مختلفی از عهد عتیق کتاب مقدس بازتاب یافته است.

متن منشور کوروش را برای نخستین بار دکتر "عبدالمجید ارفعی" از خط میخی به فارسی ترجمه کرد.

گزیده ای از مشهورترین بخش آن، آورده می شود: منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانمند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان. پسر کمبوجیه، شاه بزرگ ...

نوه کوروش، شاه بزرگ ... نبیره جیش پیش، شاه بزرگ ...

آنکه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوک خدای بزرگ دل های پاک مردم بابل را متوجه من کرد ... زیرا من او را از جمنم و گرمی داشتم.